

## نقوش رنگی تازه کشف شده هومیان و جایگاه آن در زندگی کوچ‌روهای کوهدشت لرستان

حسن افشاری (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>

مرضیه السادات باشتنی<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش در زمینه شناسایی و معرفی نقوش رنگی صخره‌ای ایران در یک‌دهه گذشته، مورد توجه بسیار گرفته است، تاجایی که فضای پژوهشی در این زمینه نیازمند مواردی فراتر از شناسایی و مستندنگاری شده است. در این میان نقوش رنگی هومیان در شهرستان کوهدشت استان لرستان، بالاترین پتانسیل را برای مطالعه دارند، چراکه بیش از ۲۱ محوطه منقوش و در هر محوطه بین ۱ تا ۶۸ نقش رنگی به دست آمده است. اولین شناسایی و کاوش در این محل در سال ۱۳۴۸ توسط حمید ایزدپناه آغاز شده است. در این پژوهش با هدف شناسایی و پرداختن به علل و چرایی رسم نقوش رنگی بر روی صخره‌های این دره، بررسی میدانی صورت گرفته است و در نهایت با شناسایی استقرارگاه‌های کوچک، پراکنده و نزدیک به هم (شاید موقت) با داده‌های به دست آمده مشابه اواخر دوره تاریخی، در کنار رودخانه دره هومیان، و همچنین شناسایی دو محوطه منقوش جدید با نقوش رنگی فراوان، با فاصله‌ای در حدود پانصد متر از یکدیگر، در شرقی‌ترین بخش هومیان به دست آمده که احتمالاً تمام نقوش رنگی موجود در دره هومیان در مسیر حرکت عشایر کوهدشت می‌باشد. و از آنجایی که مسیر کوچ‌روهای ساکن در این دره در طول تاریخ تغییری نداشته، به احتمال زیاد این نقوش در گذشته توسط کوچ‌روهای ساکن در منطقه ترسیم گشته است و با پرداختن به تعبیر و تفسیر نقوش و قوم مردم‌شناسی منطقه، می‌توان ارتباط نزدیکی میان این دو برقرار کرد.

**واژه‌های کلیدی:** نقوش رنگی، رنگین‌نگاره، هنر صخره‌ای، هومیان، قله سوره



۱. دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران Hassanafshari@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای پژوهش هنر، دانشگاه هنر

## ۱. مقدمه

سرزمین ایران با پیشینه‌ای کهن، دارای تاریخ بزرگی است. این سرزمین به دلیل داشتن اقلیم‌های گوناگون، با گذر زمان، دستخوش تغییرات فراوان شده است. به همین دلیل مردمان ساکن در این سرزمین، در طول زمان، با تغییرات اقلیمی، ناگزیر به تغییر محل سکونت خود می‌شدند و بخش عمده‌ای از جمعیت ساکن ایران، از دوران کهن، به زندگی عشایری روی آوردند. از قدیمی‌ترین محوطه‌های عشایری می‌توان به درخزینه (علیزاده، ۱۳۸۷: ۴۵) و تپه تولا (Potts, 2014: 9) در خوزستان اشاره کرد. هرچند که بسیاری از محوطه‌های نوسنگی ایران، سکونت‌گاه‌های بیلاقی و قشلاقی بوده‌اند (هول، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۸). زندگی عشایری در ایران همانند سایر جوامع ابتدایی نبوده‌است، بلکه در مواردی، بسیار تکامل یافته‌تر بوده‌است. برای مثال، اقوام کاسی، که کوچ‌نشینان زاگرس بودند، توانستند به مدت چنددهه بر جنوب بین‌النهرین (بابل)، به نحو مطلوبی حکمرانی کنند (بهزادی، ۱۳۸۳: ۱۵۰-۱۵۴) و پس از ترک بین‌النهرین، دوباره با زندگی کوچ‌نشینی در زاگرس ادامه‌حیات دهند (گیرشمن، ۱۳۵۵: ۵۶). عشایر به خوبی دریافته بودند که برای استفاده کامل و بهینه از محیط زندگی، ناگزیر از کوچ‌روی می‌باشند (Mortensen, 1993). این مردمان کوچ‌نشین در ایران، دارای ذوق هنری سرشاری بوده‌اند. دلیل این گفتار را می‌توان مفرغ‌های یافت‌شده در گورستان‌های لرستان دانست که اکثراً در مناطق کوهستانی و مسیر کوچ‌روها یافت شده است (پرادا، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۱۰۶). برخی از این اشیای مفرغی تا حدودی به نقوش رنگی یافت‌شده در زیر صخره‌ها و پناهگاه‌های لرستان شباهت دارد (صفا، ۱۳۹۰: ۱۱۷) که دلیل این امر چندان روشن نیست اما احتمال می‌رود هنرمندان هر دو اثر یا از یک قوم بوده، یا از کهن‌الگوهای مشترکی استفاده کرده‌اند و یا این آثار در یک دوره زمانی موازی با قواعد مشخصی ترسیم شده‌اند. یکی از هنرهای محلی این اقوام، هنر صخره‌ای بوده که تا روزگار معاصر نیز ادامه داشته است. حتی امروزه برخی افراد با اسپری رنگ، تصاویر باستانی را بر روی دیوار خانه‌های خود ترسیم می‌کنند بی‌آنکه پیشینه دقیق این امر را بدانند (تصویر ۱) و تداوم این هنر تا امروز، مشکلات پژوهشی و ریشه‌شناسی زیادی را برای محققین به وجود آورده است. منطقه هومیان کوهدشت سهم زیادی از این هنر دارد. در دامنه صخره‌های کوه سرسورن، چندصد نقش رنگی به صورت طولی رسم گردیده است و با آنکه به مدت چنددهه در این محل پژوهش‌های هنر صخره‌ای صورت گرفته، اما نتیجه مطلوبی به دست نیامده است که دلیل این امر شناخت ناکافی از محیط و اقلیم این دره توسط پژوهشگران می‌باشد. نگارندگان با بررسی محیطی تمامی نواحی دره در طول فصول مختلف و همچنین تهیه مستندات قوم باستان‌شناسی از مردمان بومی دلیل رسم نقوش هومیان را در پیوند با زندگی کوچ‌روی مردمان منطقه می‌دانند.



تصویر (۱). نقوش ترسیم‌شده بر دیوار منازل در روستای هومیان در شهرستان کوهدشت، خرم‌آباد (نگارندگان، ۱۳۹۴)

## ۲. پیشینه پژوهش

اولین بار خانم کلرگاف در سال ۱۳۴۲/۱۹۶۳ از میرملاس و برد سپید دیدن کرد، طرح و عکس‌هایی از رنگین نگاره‌های آنجا تهیه کرد و در سال ۱۹۷۰ میلادی گزارش خود را ارائه داد (Goff, 1970: 27-37). اما نخستین انتشار تصویر از نقوش صخره‌ای هومیان توسط آقای حمید ایزدپناه صورت گرفت. او در سال‌های ۱۳۴۸/۱۹۶۹ میلادی برای نخستین بار توانست نقوشی به رنگ‌های قرمز و سیاه بر روی دیواره چندغار پیدا کند و از آنها اسلاید و عکس‌های رنگی تهیه نماید و با همکاری انجمن آثار ملی، به‌دست رومن‌گیرشمن برسانند (ایزدپناه، ۱۳۴۸، الف: ۱۳). پس از اظهار نظر گیرشمن، در همان سال وزارت فرهنگ و هنر و اداره کل باستان‌شناسی از آقای مک‌بورنی، استاد دانشگاه کمبریج و متخصص عصر سنگ، به‌همراه هیئت خود برای تحقیق در این زمینه دعوت به‌عمل آوردند. آنها برای تعیین قدمت این نقوش در چهار محوطه میرملاس، هومیان، هومیان ۲ و بردسفید، که در یک محوطه شش کیلومتری و در دامنه کوه سرسرخن حلقه‌وار و نزدیک به یکدیگر قرار گرفته‌اند، گمانه‌زنی کردند (ایزدپناه، ۱۳۴۸، الف: ۱۳). او در جریان این کاوش یک تخته‌سنگ نقاشی‌شده که در گذشته از صخره جدا شده بود و در آن لایه سفال‌هایی مشابه نوسنگی وجود داشت را یافت (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۵). فهرست نقوش توسط مک‌بورنی ثبت شد و در سال ۱۹۸۴ میلادی توسط اربولی ارائه گردید (Bewley, 1984: 1-38). پس از اتمام کاوش، مک‌بورنی اغلب نقوش هومیان و میرملاس را به‌ترتیب از دوره نوسنگی و برخی پیش از عصر مفرغ تخمین زد. همچنین نقش اسب‌سواران را نشانی از عصر مفرغ و سلاح‌های تراش‌خورده را متعلق به دوره‌های اخیر اسلامی دانست. مک‌بورنی در پای صخره‌هایی که نقاشی داشتند، آثار فراوانی از قبیل ذغال، تیغه‌های فلینت فراوان و استخوان‌هایی که از دوران پارینه‌سنگی میانه (موستری) تا خرده‌سفال‌های گوناگون و آثار دوران اسلامی (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۳-۱۶) به‌دست آورد که نشان از سکونت در طول زمان‌های گوناگون در پای پناه‌گاه‌های سنگی هومیان دارد. در سال ۱۳۸۰ آقای گاراژیان و همکاران، محوطه‌های تازه‌ای از هومیان را معرفی کردند (گاراژیان و دیگران، ۱۳۸۰: ۸۴-۱۰۰). نقوش چوارتای غرب هم شامل این نقوش می‌شد.

در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ هیئت ایرانی و بلژیکی بررسی‌های وسیعی در این منطقه انجام دادند که (Otte et al, 2003: 8-12) و در نهایت محوطه‌های ثبت‌شده در هومیان به عدد ۱۹ رسید که در میان آنها از ۱ تا ۶۷ رنگین‌نگاره موجود است (Remacle et al, 2007: 9-17). آقای حامد وحدتی‌نسب در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ به بررسی محوطه‌های هومیان و در سال ۱۳۹۳ به طرح حفاظت، مرمت و ساماندهی نقوش هومیان و میرملاس پرداخت. اخیراً هم توسط روان‌شاد حسین‌زاعی، در منطقه نوری از هومیان، چند نقش جدید و همچنین در بررسی‌های نگارنده در سال ۱۳۹۷، دو محوطه منقوش در بخش قله‌سوره، در هومیان، یافت شده است. قله‌سوره در فاصله ۶ کیلومتری از نقوش بردسپید شرقی، در دو محوطه با فاصله ۵۰۰ متری نسبت به یکدیگر می‌باشد.

## ۳. رنگین‌نگاره‌های ایرانی

متأسفانه بخش عمده‌ای از نقاشی‌های رنگی صخره‌ای (رنگین‌نگاره‌ها) در ایران به‌دلیل محیط جغرافیایی و اقلیم آن، دستخوش تغییر شده و با گذر زمان از بین رفته‌اند. با توجه به اهمیت دادن برخی پژوهشگران به این هنر، در چنددهه گذشته محوطه‌های گوناگونی از آن در ایران یافت شده است. اما هنوز هیچ‌گونه تحقیق جامعی بر روی آنها صورت نگرفته است. در اطراف تعدادی از این نواحی، همراه رنگین‌نگاره‌ها، ابزار سنگی دوران پیش‌ازتاریخی، نوسنگی و پارینه-سنگی یافت شده است که می‌توان به محوطه‌های پناهگاه آبدوزو (قسیمی و دیگران، ۱۳۸۸)، هلك (Vahdati Nasab et al, 2008)، تداوان (Fazel and Alibaigi, 2012)، هومیان و میرملاس (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۴-۱۵) اشاره کرد و یا در غار دوشه در لرستان که همراه نقوش، یک کتیبه با متن آرامی (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۲۴۶) به‌دست آمده است (که اکنون موجود نیست). در دیگر نواحی هم متأسفانه بررسی جامعی صورت نگرفته است.



نیمی از نقوش یافت شده در ایران، نقوش انتزاعی و نیمه‌دیگر، تصاویری واقع‌گرایانه هستند. نقوش انتزاعی مانند: نقوش یافت شده در باش محله در فاروج خراسان شمالی (افشاری، در دست چاپ)؛ اشکفت لارشکورگویییه در میمند کرمان (افشاری، ۱۳۹۸) و پیرگوران در سراوان سیستان و بلوچستان می‌باشد (Sarhaddi, 2013: 1-8) (تصویر ۲).



تصویر (۲). ۲-۱ باش محله، ۲-۲ رنگی میمند، ۲-۳ رنگی پیرگوران سراوان، (نگارندگان، ۱۳۹۸).

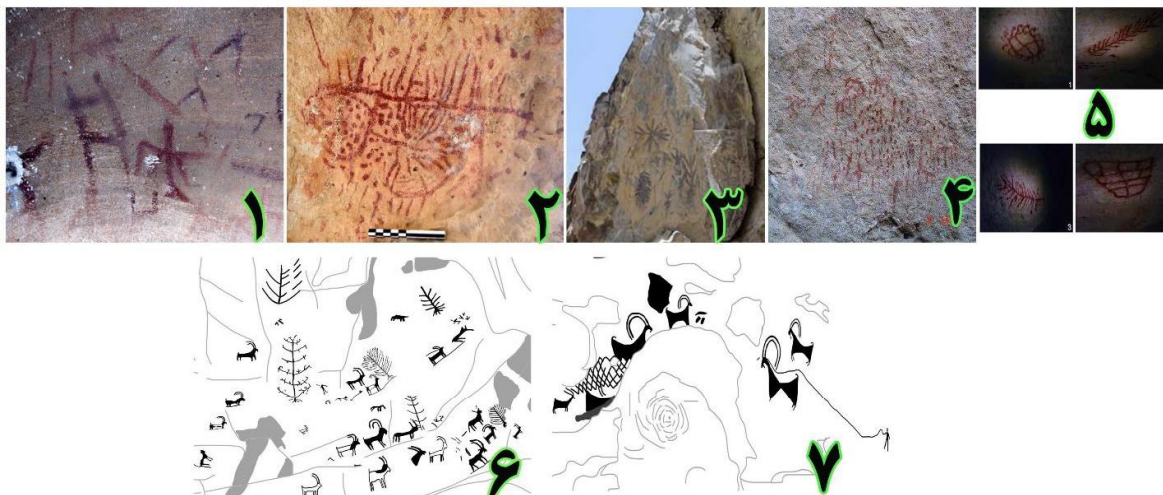
از نقوش واقع‌گرایانه می‌توان به نقوش کوه‌دنبه در اصفهان (Karimi, 2014: 118-134)؛ نقوش غار چشمه‌سهراب (افشاری و دیگران، ۱۳۹۸) سنگ مهرداد و عمدۀ نقوش هومیان در کوه‌دشت لرستان اشاره کرد (تصویر ۳).



تصویر (۳). ۳-۱ کوه‌دنبه (تصویر از Karimi, 2014)، ۳-۲ چشمه‌سهراب، ۳-۳ سنگ مهرداد، (نگارندگان، ۱۳۹۸).

در برخی نواحی نقوش به احتمال زیاد یا تک‌دوره می‌باشند و یا اگر در چند رنگ مختلف رسم شده باشند، نمی‌توان دوره‌های بسیار متفاوتی را تاریخ‌گذاری کرد. مانند: باش محله در فاروج خراسان شمالی، آبدوز در فارس، پیرگوران در سراوان سیستان و بلوچستان، تنگه تداوان و تیهو در فارس، نرگسلو در بجنورد که نقوش آن بسیار شبیه به یکدیگر و با یک رنگ واحد می‌باشند، و زینه کانلو (تصویر ۴).





تصویر (۴). ۴-۱ باش محله، ۴-۲ آبدوزو، ۴-۳ پیرگوران، ۴-۴ تداوان، ۴-۵ تیهو، ۴-۶ نرگسلو، ۴-۷ زینه کانلو، (نگارندگان، ۱۳۹۸)

در برخی نواحی مانند هومیان و میرملاس، چندصد نقش با رنگ، سبک و لایه‌های گوناگون از سطح سنگ‌های صخره به دست آمده‌اند که احتمالاً دلیل آن را می‌توان به تداوم حرکت انسان‌ها در کنار این دره‌های میان‌کوهی دانست که در چندین بازه زمانی رسم شده‌اند. بنابر تحقیق کلرگاف و سپس مک‌بورنی در هومیان، از آثار پارینه‌سنگی میانه تا دوران اسلامی و معاصر را می‌توان یافت (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۵) (Goff, 1971: 133). عمده این نقوش به رنگ قرمز تیره (اخزایی) کشیده شده‌اند و بیشترین نقوش به دست آمده از آن، تصویر بز می‌باشد که به صورت واقع‌گرایانه و یا انتزاعی به تصویر کشیده شده است. احتمالاً اکثر این تصاویر با نوک انگشتان دست و در مواردی اندک، با اجسام نوک‌تیز مانند استخوان یا چوب، کشیده شده‌اند. دلیل آن را می‌توان به وجود برخی نقوش بسیار ظریف دانست (تصویر ۵).

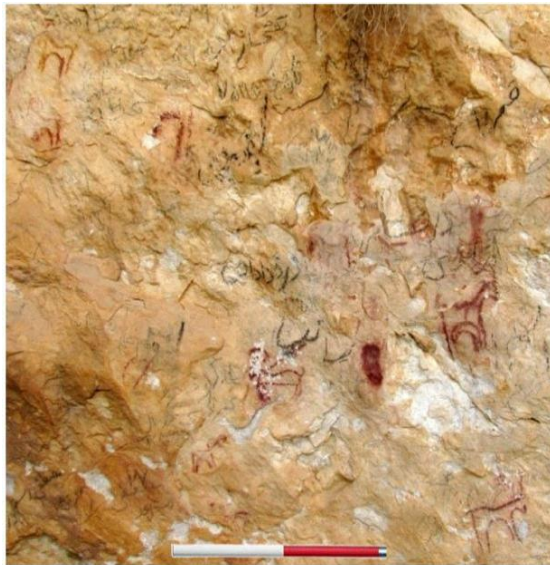


تصویر (۵). نمونه‌ای از نقوش ظریف هومیان که احتمالاً با ابزار نوک‌تیز رسم شده است، (نگارندگان، ۱۳۹۵)

در مواردی تصویر انسانی سوار بر حیوان چهارپا (شاید شتر) دیده می‌شود که می‌توان حدس زد قدمت این نقوش نمی‌تواند قدیمی‌تر از دوران تاریخی باشد اما در مواردی هم نقوشی دیده می‌شوند که هیچ‌گونه علائم اهلی‌سازی در آنها دیده نمی‌شود. مانند نقوش اشکفت آهو (تصویر ۶) در بستک هرمزگان (صادقی، ۱۳۸۱) و چوارتای غرب در هومیان که دارای نقش یک نفر با ابزار ابتدایی تیروکمان و در حال شکار می‌باشد (Otte, 2003) (تصویر ۷) که البته احتمال آن هم می‌رود که این نوع زندگی بر مبنای شکارگری در دوران تاریخی این منطقه وجود داشته و ربطی به دوران پیش‌از تاریخ نداشته باشد (افشاری، ۱۳۹۸ الف).



تصویر (۶). نقوش رنگی اشکفت آهوی بستک هرمزگان، (نگارندگان، ۱۳۹۷)



تصویر (۷). نقوش رنگی چوارتای غرب، (نگارندگان، ۱۳۹۷)

برخی از این نقوش نزد ساکنین امروزه این محلها دارای تقدس هستند که از میان آنها می توان به نقوش اشکفت لاراشکورگویییه در میمند (افشاری، ۱۳۹۸ب) و تکه در روستای نرگسلوی بجنورد اشاره کرد. هم اکنون مردم اطراف برای رفع حاجات خود، در این محلها شمع روشن می کنند و خیرات می دهند. در مواردی هم مانند نقوش سنگمهرداد، نقوشی واقع گرایانه در کوهپایه های هومیان و منطقه ای دورافتاده در مسیر راه عشایر رسم شده است که صحنه حرکت عشایر است. تعدادی انسان سوار بر حیوان چهارپا (اسب یا الاغ) به همراه شترهای در حال حرکت یا به زمین بسته شده، با تعدادی بز و یک سگ اهلی در کنار هم دیده می شوند که یادآور حرکت عشایری این منطقه تا همین چند دهه پیش می باشد. در نزدیکی این نقوش قبرستانی با سفال های هزاره اول و هزاره دوم قبل از میلاد دیده می شود (تصویر ۸).



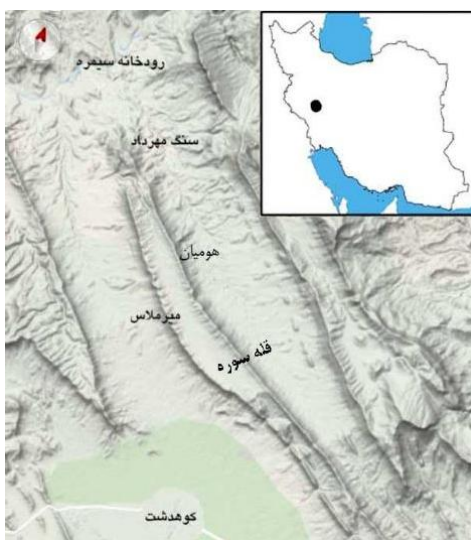
تصویر (۸). نقوش رنگی سنگ مهرداد، (نگارندگان، ۱۳۹۵)

#### ۴. جغرافیای عشایری منطقه هومیان

منطقه هومیان در کوهدشت و یکی از شهرستان‌های غربی استان لرستان در منطقه پیشکوه غربی، قرار گرفته است (تصویر ۹). با آب‌وهوای معتدل و نیمه‌خشک، بیشترین درجه حرارت در تابستان به ۴۲ درجه بالای صفر و کمترین آن در زمستان به ۷ درجه زیر صفر می‌رسد. میزان باران سالانه کوهدشت به‌طور متوسط حدود ۴۵۰ میلیمتر است (فرهنگ جغرافیایی کوهدشت، ۱۳۷۵: ۸). دره هومیان با مختصات ۳۳۳۹۱ عرضی ۴۷۲۵۲ طول و از نواحی حاصل‌خیز شهرستان کوهدشت به‌شمار می‌رود (همان) در پایین نقوش هومیان دره‌ای نسبتاً هموار و پوشیده از جنگل بلوط وجود دارد که در اردیبهشت و خردادماه چند طایفه برای گله‌چرانی به این محل می‌آیند و در فصل تابستان مجدداً به کوهدشت مراجعه می‌کنند (صفا، ۱۳۹۰: ۱۱۶). کوهستانی بودن منطقه از یک‌سو شرایط را برای کشاورزی دشوار کرده اما از سوی دیگر آب فراوان باعث فراهم آمدن مراتع شده و در نتیجه محیط مناسبی برای رمه‌گردانی در منطقه ایجاد کرده است (شیشه‌گر، ۱۳۸۴: ۳۱). در گذشته، کوهدشت به‌دلیل اقلیم مناسب، وجود مراتع و چراگاه‌های فصلی، کوه‌های مرتفع و رودخانه‌های پرآبی چون سیمره، کشکان و مادبان به یکی از مسیرهای کوچ فصلی و قشلاق کوچندگان مبدل شده بود. تا در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی با طرح اسکان عشایر، وضعیت این منطقه به تدریج از زندگی کوچندگی به زندگی شهری گرایید (شیشه‌گر، ۱۳۸۴: ۲۵). اما همچنان ریشه‌های زندگی عشایری در این منطقه وجود دارد زیرا وجود منابع غنی و مناسب زندگی عشایری در زاگرس باعث شده است تا کوچ‌نشینی از قدیمی‌ترین زمان‌ها تاکنون وجود داشته باشد (شهبازی، ۱۳۶۶: ۱۳۲). همچنین به‌دلیل شرایط اقلیمی گوناگون، به کوچ درون‌منطقه‌ای روی بیاورند (همان: ۱۳۳) هومیان محلی هم بیلاقی و هم قشلاقی است. در نواحی شمال هومیان قشلاق و جنوب آن زندگی بیلاقی صورت می‌گیرد. بیشتر عشایر در این دره، روستاهای کوچکی تشکیل داده و یکجانشین شده‌اند و برخی دیگر با زندگی بیلاقی و قشلاقی (اما به‌صورت روستائینی) و تعدادی از مردم با زندگی چادرنشینی روزگار خود را سپری می‌کنند. منابع تاریخی نشان می‌دهد که در دوره سلجوقیان، در سال ۵۸۰ هجری قمری، مردم منطقه لرستان و کوهدشت کوچ‌رو بوده و سردسیر و گرمسیر اماکن غیرثابت داشته‌اند ولی اتابکان (حکومت محلی) اماکن ثابت مسکونی در هر دو منطقه داشته‌اند (صفا، ۱۳۸۱: ۴۳۹-۴۴۷).



در سال ۱۹۶۷ م / ۱۳۴۶ هجری شمسی، کلرگاف در کوچ طوایف رومشگان کوهدشت به منطقه سردسیر نورآباد شرکت کرد. وی در مسیر راه موفق به کشف و بررسی محوطه‌های زیستی و گورستانی از دوران نوسنگی تا دوران اسلامی شد و ثابت کرد که از گذشته‌های دور تا امروز، این مسیر زیستگاه مناسبی برای استقرار اجتماعات نیمه‌یکجانشین، یکجانشین و کوچ‌رو بوده است. وی بررسی‌های خود را در این کوچ، همراه با نقشه منتشر کرد و پس از عبور از کنار محوطه سرخ‌دم‌لکی، چغازرگران و چغاگندم به آستانه دره‌دیالی، به دوراهی‌ای می‌رسد که یکی به سمت رود سیمره و سپس به دست هولیلان می‌رود و دیگری از راه کوه سرسوخن به هومیان و شمال کوهدشت می‌رود و از آنجا از طریق کوه‌های دیگری به دلفان و در جنوب نورآباد به محل سردسیر طوایف نورعلی و میربیگ می‌رسد. گاف نقل می‌کند که: گفته شده در ارتفاعات هومیان آثار مفرغی پرشماری مربوط به هزاره دوم پیش از میلاد به دست آمده است (Goff, 1971- Goff, 1968: 108-109).



تصویر (۹). نقشه هوایی از محوطه هومیان

### ۵. نقوش رنگی قله سوره

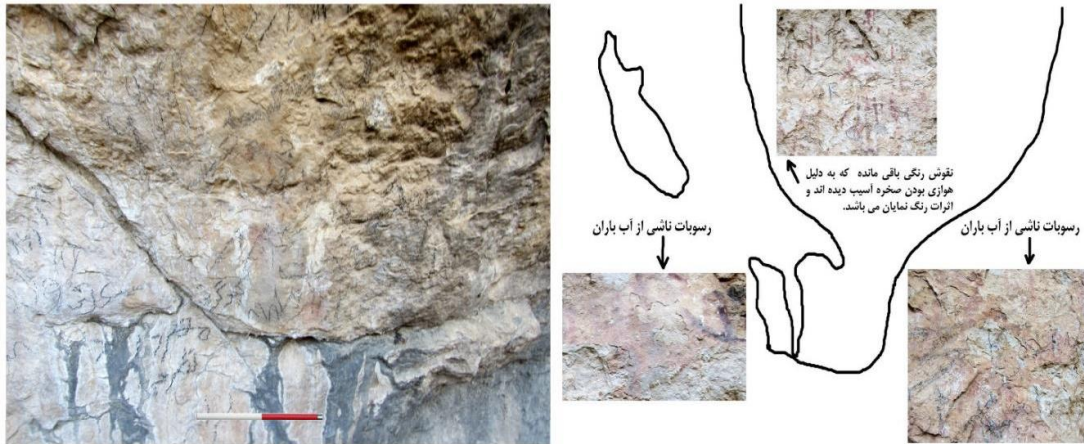
نقوش رنگی قله سوره ۱ و ۲ در دره هومیان و کوه سرسوخن و در نزدیکی مسیر فرعی راه عشایری، میان کوهی بین کوهدشت و هومیان می‌باشد که به زبان محلی قله سوره نامیده می‌شود. دو محوطه قله سوره با فاصله ۵۰۰ متر نسبت به یکدیگر فاصله دارند و فاصله آن با نزدیک‌ترین نقاشی‌های یافته‌شده چند کیلومتر است. نقوش رنگی شناسایی شده در دره هومیان تاکنون عبارت‌اند از: (جدول ۱)

جدول ۱. فهرست محوطه‌های شناسایی شده در دره هومیان با نقوش رنگی	
حد اقل ۴۰ نقش به رنگ‌های قرمز و قرمز تیره	سنگ مهرداد (دره)
۹ نقش به رنگ‌های قرمز و زرد	سنگ مهرداد (دیوارسنگی)
نزدیک به ۱۰ نقش به رنگ قرمز - قهوه‌ای (در بررسی‌های اخیر کشف شده و در دست انتشار می‌باشد).	نوری
حدود ۱۶ نقش به رنگ‌های زرد، قرمز و مشکی	چوارتا غرب
۱ نقش به رنگ قرمز - قهوه‌ای	چوارتا مرکزی ۲



چوارتا مرکزی ۱	۲ نقش به رنگ مشکی
چوارتا شرق ۳	۴۰ نقش به رنگ‌های قرمز و مشکی
چوارتا شرق ۲	حداقل ۲ نقش
چوارتا (چارتا) شرق	حداقل ۲ نقش
چلگه‌شله غرب	حداقل ۸ نقش به رنگ قرمز تیره
چلگه‌شله مرکزی (تخته‌سنگ کوچک ۲)	۱ نقش به رنگ قرمز
چلگه‌شله مرکزی (تخته‌سنگ کوچک ۱)	۳ نقش به رنگ زرد
چلگه‌شله مرکز غرب	۱۰ نقش به رنگ قرمز - قهوه ای
چلگه‌شله مرکز شرق	حداقل ۶۷ نقش به رنگ‌های قرمز، مشکی و قهوه‌ای
چلگه‌شله شرق	حداقل ۱۷ نقش به رنگ‌های قرمز و مشکی
ارامیا غرب	حداقل ۵ نقش به رنگ‌های قهوه‌ای و قرمز
ارامیا شرق	۱۰ نقش به رنگ‌های قهوه‌ای، زرد و قرمز (اکنون تنها ۲ نقش باقی مانده و بنابر گفته رمسل، تخته‌سنگی با نقوش رنگی از صخره ارامیا شرق جدا شده و برای حفاظت به موزه باستان‌شناسی خرم‌آباد انتقال یافته است Remacle et al, (2007: 16).
بردسپید غرب	۲۳ نقش به رنگ قرمز و زرد
بردسپید مرکزی	حدود ۵ نقش به رنگ قرمز-قهوه‌ای
بردسپید شرق	۱۰ نقش به رنگ زرد
قله‌سوره غرب	عمده نقوش بر اثر رسوبات و سستی سطح سنگ صخره آسیب دیده‌اند، نقوش باقیمانده به رنگ‌های قرمز تیره، قرمز-قهوه‌ای می‌باشند.
قله‌سوره شرق	عمده نقوش بر اثر رسوبات و سستی سطح سنگ صخره آسیب دیده‌اند، نقوش باقیمانده به رنگ قرمز روشن، قرمز تیره، قرمز-قهوه‌ای، زرد، نارنجی، قهوه‌ای و مشکی می‌باشند.

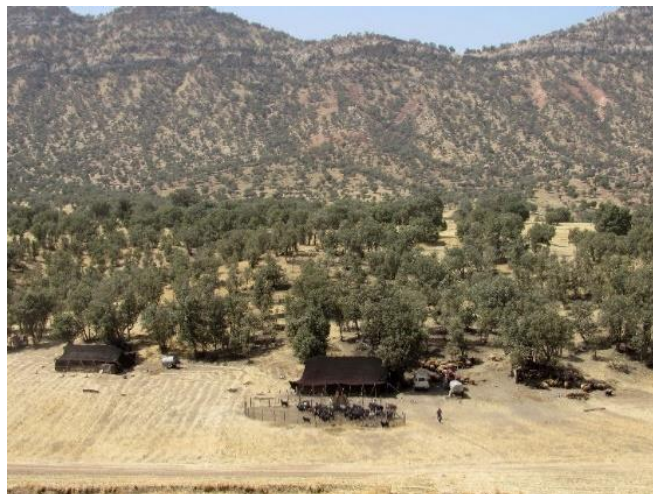
اکثر نقوش رنگی این دو محوطه آسیب دیده‌اند (تصویر ۱۰) و از بخش‌هایی که سالم باقی مانده می‌توان به تصویر چند انسان ایستاده که گویا چوب‌دستی در دست دارند و شلوارهای گشاد پوشیده‌اند اشاره کرد که در اطراف آنها حیوانات چهارپا و شاید اهلی دیده می‌شود (تصویر ۱۹). نقوش انسانی کمان‌دردست و در حال پرتاب تیر (تصویر ۱۸)، تصویر حیوانی سگ‌سان، نقش چند حیوان چهارپا به رنگ قرمز-قهوه‌ای، قهوه‌ای و سیاه، انسانی سوار بر حیوان چهارپا به رنگ نارنجی، و تعداد زیادی علامت‌های انتزاعی که در ظاهر بی‌معنا جلوه می‌دهند، دیده می‌شود. در بخش شرقی قله‌سوره آسیب‌های ناشی از رسوبات بیشتر است و تنها چند رد رنگ، تعدادی نقوش انتزاعی، تصویر انسانی در حال زایش، مشابه نمونه اشکفت لارشکورگویییه میمند کرمان (تصویر ۲۰)، و چند موجود ناشناخته وجود دارد.



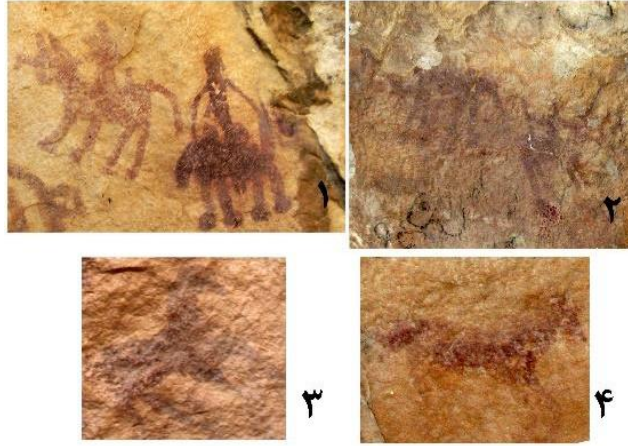
تصویر (۱۰). تأثیر رسوبات ناشی از باران بر روی نقوش رنگی قله سوره غرب، (نگارندگان، ۱۳۹۷)

در بررسی های سال ۱۳۹۷ نگارندگان دریافتند که تمامی این نام گذاری های کوه های هومیان برمبنای برش های طبیعی قله های کوه سرسورن می باشد که هرکدام از این نواحی هم اکنون و یا در چنددهه پیش محل استقرار عشایر و خانواده های گوناگون بوده است که همچنان در برخی از فضا های هومیان ادامه دارد و جزو زمین های نیاکان آنها هستند (تصویر ۱۱).

شروع و اتمام نقاشی های هر محوطه نسبت به محوطه دیگر، نیازمند پیمایش مسافت طولانی در پای قله است. در سمت شرق نقوش رنگی قله سوره، مسیر عشایری میان کوه سرسورن از مسیر کوه دشت به دره هومیان می باشد که حرکت آنها به سمت غرب دره ادامه می یابد و نقاشی ها نیز از این مسیر شروع و در غربی ترین قسمت هومیان یعنی منطقه نوری تمام می شود و در مسیر فرعی عشایری دیگری، نقوش رنگی سنگ مهرداد به دست آمده است که عشایر از این مسیر به منطقه میرملاس می روند. جالب توجه است که چند نقش شبیه سنگ مهرداد، در سمت غربی میرملاس دیده می شود (تصویر ۱۲).



تصویر (۱۱). اسکان عشایر در پای قله سوره، (نگارندگان، ۱۳۹۷).



تصویر (۱۲). شباهت بین نقوش ۱۲-۱ و ۱۲-۳ محوطه سنگ‌مهرداد با نقوش ۱۲-۲ و ۱۲-۴ میرملاس، (نگارندگان، ۱۳۹۷).

تمامی محوطه‌های منقوش هومیان مانند قله‌سوره، بردسپید، ازارمیا، چلگه‌شله، چوارتا و حتی میرملاس، دارای پناهگاه غاری می‌باشند که تا دوده پیش‌عشایر در فصل‌های خشک سال برای تهیه علوفه، دام خود را به دامنه صخره که پوشش گیاهی بیشتری داشته می‌بردند و شب را در پناهگاه غاری سپری می‌کردند. افشاری (نگارنده) شخصاً تعدادی از سکه‌های نقره ساسانی را در میان بومی‌های روستای هومیان شناسایی کرد که به‌گفتهٔ یابنده آنها از پناهگاه صخره‌ای چله‌شله به‌دست آمده که نشان از استقرار دیرینه انسانی در این پناهگاه‌ها است. در بررسی‌های پیمایشی از قله‌سوره تا محوطه نوری نزدیک به ۱۱ محوطه و تپه بسیار کوچک در فاصله‌های نزدیک، در کف‌دره و کنار رودخانه هومیان شناسایی گردید که تنها سفال‌هایی احتمالاً متعلق به دوره ساسانی بر روی سطوح پراکنده بود (تصویر ۱۳). این گونه سفال با سفال‌های دورهٔ ساسانی حاجی‌آباد فارس (محمدی‌فر، ۱۳۹۴: ۳۵۴-۳۵۵) سفال‌های دورهٔ اشکانی ساسانی ماه‌نشان زنجان (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: ۶۵)، سفال‌های دورهٔ اشکانی و ساسانی قروه کردستان (مافی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۷)، سفال‌های دورهٔ اشکانی و ساسانی سنگ‌شیر همدان (افشار و نقشینه، ۱۳۹۳: ۱۲۴) و سفال‌های دورهٔ ساسانی سیمره (قلعه یرم‌شاه) (محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۳۹) شباهت دارد و به اعتقاد نگارندگان دلیل کوچکی و پراکندگی محوطه‌ها، کاربری کوچ‌روی و سکونت‌گاه‌های فصلی می‌باشد.



پراکندگی سفال های تاریخی

مسیر حرکت کوچروها

تصویر (۱۲). نقشه حرکت عشایر ساکن در دره هومیان و کوچ درون منطقه‌ای به همراه محل قرارگیری نقاشی‌های به دست آمده در این دره، (نگارندگان، ۱۳۹۸).

۱۱۳



باستان‌پژوه سال نوزدهم و بیستم، شماره ۲۴ و ۲۵



تصویر (۱۳). پراکندگی سفال‌های تاریخی در دره هومیان، (نگارندگان، ۱۳۹۷).

پیوند نقوش رنگی هومیان با زندگی عشایر ساکن در این دره، امری پذیرفتنی است. از آنجایی که زندگی عشایر به دلیل عدم ثبات اقلیمی نسبت به گذشته تفاوت چندانی نداشته، با بررسی‌های قوم باستان‌شناسی، می‌توان ارتباط میان این نقوش را با زندگی مردمان ساکن در دره مشخص نمود. در روستای هومیان خانه‌ای نه‌چندان بزرگ با نقاشی شبیه انیمیشن شهرسوخته بر روی دیوار وجود دارد که سعی بر نشان دادن اصالت خود می‌کند. بی‌آنکه ساکنینش برای کار خود هدف موجهی داشته باشند (تصویر ۱). زنان خانه‌دار کهن‌سالی در روستای هومیان زندگی می‌کنند که نقوشی



انتزاعی، همانند آنچه در محوطه هومیان دیده می‌شود، بر روی دستان خود خالکوبی کرده‌اند و بنا به گفته خودشان، اصلاً نقوش رنگی پای صخره را، به دلیل سختی مسیر، ندیده‌اند (تصویر ۱۴). بیشترین تصاویری که در میان نقوش رنگی هومیان دیده می‌شود، تصاویر حیوانات اهلی، به ویژه بز، می‌باشد که با توجه به کوهستانی بودن منطقه، بز بیشترین استفاده دامی در میان مردم ساکن در دره هومیان است و سبب رسم این حیوان بر روی گلیم و نقاشی بر روی دیوار است. همچنین تصاویر جدید و فاقد دوام تاریخی که بر روی نقاشی‌های تاریخی هومیان رسم شده‌اند، تاجایی که در بررسی‌های مارسل‌اوت، در سال ۲۰۰۳، برخی از این تصاویر جدید را مانند نمونه‌های تاریخی ثبت و مستندنگاری کرد (Otte et al., 2003:10) (تصویر ۱۵).

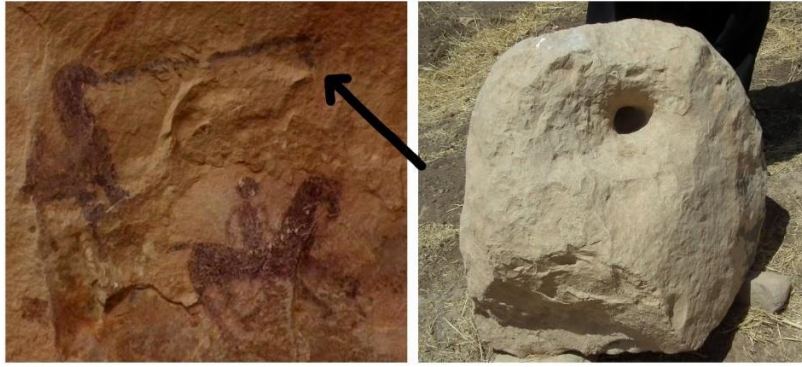


تصویر (۱۴). مقایسه نقوش رنگی هومیان با خالکوبی دست زنان روستایی ساکن در دره هومیان، (نگارندگان، ۱۳۹۷)

۱۱۴



تصویر (۱۵). نقش بز در میان نقاشی‌های صخره‌ای هومیان، زندگی روزمره و نقوش رسم‌شده بر روی قالی عشایر هومیان، (نگارندگان، ۱۳۹۷)



تصویر (۱۶). مال‌بندهای رهاشده در دره هومیان و نمونه کاربری آن در نقوش سنگ مهرداد، (نگارندگان، ۱۳۹۷)

### ۶. گاه‌نگاری نسبی نقوش

گاه‌نگاری نسبی برای نقوش رنگی قله‌سوره کاری بسیار مشکل است چراکه این نقوش با رنگ‌های گوناگون مانند زرد، نارنجی، قرمز روشن، قرمز-قهوه‌ای و مشکی و با سبک‌های گوناگون انتزاعی، هندسی، طبیعی می‌باشند که به‌احتمال زیاد توسط چندین هنرمند در زمان‌های گوناگون ترسیم شده است. همان‌طور که گفته شد، در کاوش و بررسی‌های مک‌بورنی در منطقه هومیان، آثاری از دوره موستری تا دوره اسلامی به‌دست آمده است که نشان از توالی سکونت در مجاورت محل نقاشی‌ها است (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۳-۱۶) و اکنون در پایین کوهپایه، محل سکونت عشایر می‌باشد (صفا، ۱۳۹۰: ۱۱۶) و بنابر تحقیق عباس علیزاده بر روی عشایر بختیاری و قشقایی، به این نتیجه رسیده‌اند که مسیر حرکت عشایر زاگرس از دوران پیش‌ازتاریخ تا دوران معاصر یکی بوده است (علیزاده، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۶). در بررسی‌های خانم کلرگاف در سال ۱۹۶۷ و همراهی او با عشایری که از هومیان عبور می‌کردند، آثار دوران نوسنگی تا اسلامی را شناسایی نمود. (Goff, 1971:133). همچنین می‌دانیم که تا قبل از قانون یکجانشینی در سال ۱۳۱۰ جمعیت و دسته‌های عشایر بسیار زیادتری در محوطه‌های زاگرس زندگی و کوچ می‌کرده‌اند (شیشه‌گر، ۱۳۸۴: ۲۵).

امروزه با پیشرفت تکنولوژی به روش U-series می‌توان سال‌یابی نسبتاً دقیقی از نقوش رنگی و صخره‌ای به‌دست آورد که در این روش به‌واسطه رسوبات آهکی‌ای که بر روی سطح سنگ نقش بسته شده است، با قدمت زمانی بین ۲ یا ۵ تا ۵۰۰ هزار سال سال‌یابی نمود (Rosholt, No Data) که اخیراً با این روش نقوش رنگی برخی از غارهای مهم اسپانیا نیز سال‌یابی مطلق شده است (Edwige et al, 2014- Pike et al, 2012).

باتوجه به مطالب فوق تا سال‌یابی مطلق صورت نگیرد نمی‌توان دوره‌های نسبی به نقوش رنگی قله‌سوره نسبت داد. در میان نقوش، چند مورد ادوات‌نظامی مانند تیروکمان و سرنیزه دیده می‌شود. از آنجایی که جنس سرنیزه مشخص نیست، نمی‌توان دوره خاصی را به آن نسبت داد. تیروکمان از دوران شکارگری انسان رواج داشته، اما از آنجایی که در چند نقش به رنگ قرمز تیره و نارنجی، تصویر حیوانی چهارپا مانند اسب دیده می‌شود (اگر اسب باشد و الاغ یا حیوان چهارپای دیگری نباشد) که انسان سوار بر آن است، می‌توان احتمال داد که نقوش مزبور بعد از دوره اهلی‌سازی اسب رسم شده باشند و نمی‌توان آنها را قدیمی‌تر از هزاره دوم قدمت‌گذاری کرد، زیرا در بررسی‌های مقدماتی که به‌وسیله مک‌بورنی در میرملاس صورت گرفته است، تصویر سوارکارهایی که در حال شکار می‌باشند را مربوط به هزاره دوم قبل از میلاد دانسته است (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۴). اما اولین سند مکتوب از وجود اسب اهلی، نوشته‌ای است به خط میخی، به زبان میتانی، از بَغازکو (پتریای باستانی در آسیای صغیر) و متعلق به قرن چهاردهم قبل از میلاد که نخستین «اسب‌نامه» به‌شمار می‌رود و در آن شیوه رام‌ساختن و تربیت اسب و توشه‌دادن و تیمارداشتن‌اش توصیف شده است (شهبازی، ۱۳۷۶: ۲۸). البته چون نقوش صخره‌ای ایرانی، بیشتر انتزاعی هستند، نمی‌توان اطمینان حاصل کرد که حیوان مزبور

اسب باشد. برای مثل اگر الاغ باشد، جان آلدن معتقد است که در ۳۵۰۰ قبل از میلاد اهلی شده است (Alden, 2015: 997) اما در زمینه نقوش مشکی رنگ شاید پوشش انسان‌هایی که با این رنگ کشیده شده‌اند، قابل اعتمادترین برای سال‌یابی باشد. در تصاویر انسان‌هایی با شلوارهای گشاد (شبه شلوار کردی) و لباسی بلند تا روی زانو و گاه چین‌دار دیده می‌شود که به عقیده نگارندگان یادآور دوران تاریخ معاصر است. (تصویر ۱۷)



تصویر (۱۷). نقوش قابل تاریخ‌گذاری نسبی در قلعه‌سوره شرقی، (نگارندگان، ۱۳۹۷)



تصویر ۱۸. نقوش رنگی قلعه‌سوره شرقی، (نگارندگان، ۱۳۹۷)





تصویر ۱۹. نقوش رنگی قله‌سوره شرق، (نگارندگان، ۱۳۹۷)



تصویر ۲۰. نقوش قله‌سوره غرب، (نگارندگان، ۱۳۹۷)



## ۷. نتیجه

رنگین‌نگاره‌ها بخش بسیار محدود هنر صخره‌ای می‌باشند که به دلیل آسیب‌پذیر بودن آن توسط محیط، بسیار نادر هستند. خوشبختانه در ایران محوطه‌های گوناگونی شناسایی شده‌اند که دارای نقوش رنگی می‌باشند و تاکنون بر روی آنها هیچ پژوهش ساختاری و علمی دقیقی صورت نگرفته است و همچنان در مرحله شناسایی و مستندنگاری باقی مانده‌اند. از شاخص‌ترین محوطه‌های دارای این نقوش می‌توان به هومیان اشاره کرد که چندصد نقش رنگی از آن کشف و شناسایی گردیده است. در پژوهش حاضر، به منظور شناخت کلی بافت و ساختار هومیان و همچنین پرداختن به چرایی رسم این نقوش، نگارندگان به بررسی سطحی دره و قوم باستان‌شناسی اقوام عشایر و یکجانشین ساکن در دره هومیان پرداختند که پس از بررسی و مقایسه میان اشتراکات نقوش تاریخی در صخره‌های کوه سرسورن و کهن‌الگوهای موجود در زندگی اقوام بومی، نقوش رنگی هومیان را مرتبط با بافت سکونت‌گاه اقوام این محیط، که بر پایه زندگی کوچ‌روی می‌باشد، می‌دانند و برای اثبات آن نقوش تازه‌ای در محوطه قله‌سوره شناسایی گردید که این نقوش اولین توقف‌گاه عشایری می‌باشد که از کوه‌دشت وارد دره هومیان می‌شوند و به سمت غرب در مسیرهای بردسپید، ارارمیا، چلگه‌شله، چوارتا، و نوری ادامه می‌یابد که هرکدام از این نواحی زمین‌های قبایل کوچ‌رو می‌باشند و نام‌گذاری آنها بر مبنای انحنای طبیعی قله‌ها می‌باشد. میان جایگاه اتمام و شروع محوطه‌های دارای نقاشی مسافت زیادی در وجود دارد که باتوجه به بافت محیطی کوهپایه‌ای و فاقد دشت و سفال‌های سطحی پراکنده در دره، احتمال آنکه استقرارگاه‌های گذشته، همانند زمان حاضر باشند، می‌توان سازندگان این نقوش را عشایر ساکن در محیط دانست و از آنجایی که این رسم از گذشته دور تاکنون در میان این اقوام در جریان بوده است، تا تمامی نقوش هومیان شناسایی و بر مبنای رنگ و نقش دسته‌بندی نگردند و از هر گروه به روش اورانیوم سری سال‌یابی مطلق صورت نگیرد، نمی‌توان زمان خاصی را به این نقوش نسبت داد.

## منابع

- افشاری، حسن. (۱۳۹۰). هنر نقاشی ایران (از آغاز تا اسلام)، تهران: پازینه.
- افشاری، حسن. (۱۳۹۴). رنگین‌نگاره‌های ایرانی. پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه آزاد ورامین پیشوا.
- افشاری، حسن؛ طاهرآبادی، مریم. (۱۳۹۸). «بازنگری بر روی نقوش چشمه‌سهراب کرمانشاه»، نشریه باستان‌کاوی: انجمن علمی دانشگاه شهید بهشتی، سال دوم. شماره ۲.
- افشاری، حسن. (۱۳۹۸ الف). «بررسی نقوش رنگی چوارتا غرب در هومیان کوه‌دشت»، نشریه کهن بوم، دو فصلنامه تخصصی انجمن علمی باستان‌شناسی، شماره دوم، سال دوم. بهار و تابستان، دانشگاه مازندران، صفحات ۲۷-۲۰.
- افشاری، حسن. (۱۳۹۸ ب). مستندنگاری و بررسی کهن‌الگوهای نقوش رنگی پناهگاه صخره‌ای لاشکورگویی در میمند کرمان در سال ۱۳۹۶، اولین کنفرانس باستان‌شناسی و تاریخ هنر، دانشگاه بابلسر.
- افشاری، حسن. در دست چاپ، بررسی زندگی اجتماعی عشایر دوره عصر آهن در دشت همیان باتکیه‌بر مطالعه نقوش سنگ مهرداد.
- افشاری، لیلا، نقشینه، امیرصادق. (۱۳۹۳). «توصیف طبقه بندی و تحلیل گونه شناختی سفال‌های دوره اشکانی گورستان سنگ شیر همدان»، نشریه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. سال چهارم. شماره ۷. صفحه ۱۳۲-۱۱۳.
- ایزدپناه، حمید. (۱۳۴۸ الف). «نقاشی‌های پیش از تاریخ در غارهای لرستان»، مجله باستان‌شناسی و هنر، شماره ۳، صص ۱۱-۶.
- ایزدپناه، حمید. (۱۳۴۸ ب). «نقاشی‌های غار دوشه در لرستان»، مجله باستان‌شناسی و هنر، شماره ۴، صص ۵۳-۵۷.
- ایزدپناه، حمید. (۱۳۵۰). آثار باستانی لرستان، جلد اول، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- بورنی، مک، چارلز. (۱۳۴۸). «گزارش مقدماتی بررسی و حفاری در غارهای منطقه کوه‌دشت برای تعیین تاریخ نقوش‌های پیش‌ازتاریخ ناحیه لرستان»، ترجمه ذبیح‌الله رحمتیان، باستان‌شناسی و هنر ایران، ش ۲، وزارت فرهنگ و هنر، تابستان ۱۳۴۸، صفحات ۱۴-۱۶.





- بهبزادی، رقیه. (۱۳۸۳). *قومهای کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران*، تهران: طهوری.
- بیگلری، فریدون؛ مردای بیستونی، علیرضا و جمشیدی، فریدون. (۱۳۸۶). «گزارش بررسی نقوش غار چشمه سهراب (مرآوزا)، دینور-کرمانشاه»، *باستان‌پژوهی*، دوره جدید، سال دوم، شماره ۳، صص ۵۰-۵۵.
- برادا، ایدیت. (۱۳۸۲). *هنر ایران باستان*. ترجمه دکتر یوسف مجیدزاده، تهران: دانشگاه تهران.
- خسروزاده، علیرضا و ابوالفضل عالی. (۱۳۸۳). «توصیف، طبقه بندی و تحلیل گونه شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماه‌نشان (زنجان)»، در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه شمال غرب، به کوشش دکتر مسعود آذرنوش، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی - پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. صص ۴۵-۷۰.
- شهبازی، عبدالله. (۱۳۶۶). *مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر*، تهران: نشر نی.
- شهبازی، علیرضا شاپور. (۱۳۷۶). «اسب و سواری در ایران باستان»، *نشریه باستان‌شناسی و تاریخ*، سال یازدهم، شماره اول و دوم، پاییز ۱۳۷۶.
- شیشه‌گر، آرمان. (۱۳۸۴). *گزارش کاوش محوطه سرخدم لکی*، کوه‌دشت لرستان، تهران: نشر پژوهشکده باستان‌شناسی.
- صادقی، خالد. (۱۳۸۱). *بررسی فن‌شناسی، آسیب‌شناسی و ارائه طرح حفاظتی نقاشی‌های پیش از تاریخ اشکفت آهویی بستک*، پایان‌نامه کارشناسی، گروه مرمت آثار، دانشگاه هنر اصفهان.
- صفا، مینا. (۱۳۹۱). «تاریخ‌گذاری نقوش صخره‌ای هومیان و میرملاس براساس تفسیر تصاویر آنها»، *نشریه نامه ایران باستان*، سال یازدهم، شماره اول و دوم، صص ۲۱-۲۲.
- صفی‌نژاد، جواد. (۱۳۷۵). *فرهنگ جغرافیایی کوه‌دشت*، تهران: نشر سازمان نقشه‌برداری کشور.
- علیزاده، عباس. (۱۳۸۷). *شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام*، شهرکرد: انتشارات اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری چهارمحال و بختیاری.
- فرهنگ جغرافیایی کوه‌دشت. (۱۳۷۵). تهران: سازمان نیروهای مسلح کشور.
- قسیمی، طاهر و دیگران. (۱۳۸۸). *بررسی نقاشی‌های صخره‌ای پناهگاه صخره‌ای آبدوزو، فیروزآباد فارس*، *نشریه باستان‌شناسی ایران*، سال اول پاییز و زمستان، شماره ۱، صص ۱-۱۱.
- گاراژیان، عمران؛ عادل، جلال؛ پاپلی یزدی، لیلا. (۱۳۸۰). «سنگ‌نگاره‌های تازه کشف شده همیان»، *نامه انسان‌شناسی*، *نشریه مرکز نشر دانشگاهی*، شماره ۲.
- مافی، فرزاد؛ بهنیا، علی؛ بهرام زاده، محمد. (۱۳۸۸). «توصیف، طبقه بندی و گونه‌شناسی سفال دوره اشکانی شهرستان قره (کردستان)»، *نشریه پیام باستان‌شناس*، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۰۴-۸۵.
- محمدی فر، یعقوب؛ امینی، فرهاد. (۱۳۹۴). *باستان‌شناسی و هنر ساسانی*، تهران: نشر شاپیکان.
- محمدی فر، یعقوب؛ طهماسبی، الناز. (۱۳۹۳). «طبقه بندی سفال ساسانی دره سیمره؛ مطالعه موردی قلعه سمیرم شاه»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، دوره ۴، ش. ۷-۱۳۳-۱.
- هول، فرانک. (۱۳۸۷). «نوسنگی در ایران»، ترجمه امیر ساعد، *نشریه باستان پژوهی*، شماره ۱۶، صص ۷۳-۸۳.
- Alden, John. (2015). Reviews book *Nomadism in Iran*. *Antiquity*. 2015. No66, Published online, 6Aug
- Bewley, R.H, 1984, The Cambridge University archaeological expedition to Iran 1969. Excavations in the Zagros Mountains: Houmian, Mir Malas and Barde Spid. *Iran*. Journal of the British Institute of Persian Studies 22:1-38
- Edwige, Pons-Branchu. Raphaëlle Bourrillon, Margaret W. Conkey, Michel Fontugne, Carole Fritz, Diego Gárate, Anita Quiles, Olivia Rivero, Georges Sauvet, Gilles Tosello, Hélène Valladas and Randall White. (2014). Uranium-series dating of carbonate formations overlying Paleolithic art: interest and limitations, *Bulletin de la Société préhistorique française*, T. 111, No. 2 (AVRIL-JUIN 2014)
- Fazel, L.; S. Alibaigi. (2012). Discovery of cave art in the province of Fars, Southern Iran. *Rock Art Research*, 29(2), 187-190
- Ghasimi, T.; S. Barfi.; R. Nouruzi. (2010). New Found Pictograms from Abdozou Rock Shelter, Firouz Abad, Southern Zagros. *Iranian Archaeology*, 1(1), 17-26.
- Ghasimi, Taher; Ghasemi, Parsa. (2016). Recent Rock Art Finds from North of Kavar in Fars, Iran. *international Journal of Archaeology*. 2016:4
- GOFF, Cl. (1968). Luristan in the first half of the first millenium BC. *Journal of the British Institute of Persian Studies* 6: 105-134.

GOFF, Cl. (1970). Neglected aspects of Luristan art. Jaarboek van het Genootschap Nederland-Iran stichting voor culturele betrekkingen [Annuaire de la Société Néerlando-iranienne] 5: 27-37.

GOFF, Cl. (1971). Luristan before the Iron Age. Journal of the British Institute of Persian Studies 9: 131-152

Karimi, Ebrahim. (2014). The Rock Paintings of Kuh-e-Donbeh in Esfahan, Central Iran. *Arts* 2014, 3  
Mortensen, Inge Demant; Ida Nicolaisen. (1993). Nomads of Loristan: History, Material Culture - pastoralism in western Iran. Thams. Hudson, London, 1993.

Otte. M., Adeli. J, Remacle. L. (2003). Art rupestre de l'ouest iranien. West Iranian Rock Art, INORA (International Newsletter on Pock Art) 37:8-12

Potts D.T. (2014). Nomadism in Iran: from antiquity to the modern era. Oxford: Oxford University Press

Remacle. L, Adeli. J, Otte. M. (2007). New field research on houthian rock-art, Lorestan Province, Iran, *Bastanpazhuhi*, vol. II, No. 3 pp 9-17

Rosholt, John. (no data). Natural Radioactive Disequilibrium of the Uranium Series Department of the Interior

Sarhaddi. Fereshteh. (2013). Pictograph and Petroglyphs of Saravan (Sistan-Baluchistan .Iran), *Ancient Asia*. 4:3 pp 1-8

Vahdati Nasab, H.; Rezaei, M. H.; Naderi, R. (2008). Helak, A Palaeolithic cave complex featuring rock art along the northern shore of Parishan Lake, Fars province, Iran. *Name-ye Pazhuheshgah, Journal of the Research Institute of I.C.H.T.O*, 22/23, 91-96.

